



The Epistemological Geometry Model of the Quran and Its Role in Making Contemporary Interpretation Efficient from the Perspective of Martyr Imam Khamenei



Bagher Riahimehr^۱

^۱. Assistant Professor, Quran and Oriental Studies Department, Al-Mustafa Al-Alamiyah University (PBUH). Email: dr.riahi@chmail.ir

Article Info

Abstract:

Article type:

Research Article

Print ISSN:

۲۷۱۶-۹۸۱۲

Online ISSN:

۲۷۱۷-۳۴۸۸

Received: ۲۰۲۶/۰۱/۲۴

Detected: ۲۰۲۶/۰۵/۱۹

Accepted: ۲۰۲۶/۰۵/۲۰

Available: ۲۰۲۶/۰۶/۰۹

Keywords:

Epistemic geometry of the Qur'an, contemplative exegesis, enhancing exegetical effectiveness, Supreme Leader, Qur'anic guidance, systematicity of doctrines.

In the face of epistemic and social transformations in the contemporary world, one of the fundamental challenges of Qur'anic studies is to attain an effective model for a guidance-oriented and problem-centered understanding of the Holy Qur'an. In this regard, elucidating the "model of the epistemic geometry of the Qur'an" from the perspective of the Supreme Leader (may his shadow be extended) can provide a coherent and practical framework for enhancing the effectiveness of contemporary exegesis.

The present study aims to explicate the components of the Qur'an's epistemic geometry and analyze its role in improving the efficiency of contemplative (tadabbur-based) exegesis. This research has been conducted using a descriptive-analytical method and is grounded in the statements of the Supreme Leader, Qur'anic verses, narrations from the Ahl al-Bayt (peace be upon them), and authoritative Shī'ī commentaries (Al-Mizān, Tafsīr-e Nemūneh, and Majma' al-Bayān).

The findings indicate that, in the thought of the Supreme Leader, the epistemic geometry of the Qur'an rests on three fundamental components:

۱- Epistemic comprehensiveness in covering the rational, ethical, and practical dimensions of human life;

۲- Systematicity and internal coherence of Qur'anic teachings, which prevents selective and superficial understanding; and

۳- The centrality of guidance as the ultimate end and governing spirit of Qur'anic doctrines.

This model, by emphasizing tadabbur (deep reflection), taqwā (God-consciousness), and the integration of knowledge and practice, while rejecting interpretation based on personal opinion (tafsīr bi-l-ra'y), paves the way for extracting practical patterns for individual and social guidance and elevates Qur'anic exegesis from the level of theoretical understanding to the realm of social and civilizational application.

The study concludes that the model of the Qur'an's epistemic geometry, grounded in the exegetical principles of the Supreme Leader, possesses a high capacity for enhancing the effectiveness of contemporary exegesis, responding to the epistemic needs of the Islamic community, and strengthening the role of the Qur'an in social guidance and Islamic civilization-building.

Cite this article: Riahimehr, Bagher (۲۰۲۶), The Epistemological Geometry Model of the Quran and Its Role in Making Contemporary Interpretation Efficient from the Perspective of Martyr Imam Khamenei, *Religious studies and efficiency*, ۶(۱), ۱-۲۰.

<https://nrr.tabrizu.ac.ir/article/۲۱۷۳۱.html>

Publisher: University of Tabriz



الگوی هندسه معرفتی قرآن و نقش آن در کارآمدسازی تفسیر معاصر از منظر شهید امام خامنه‌ای «قدس سره»



باقر ریاحی‌مهر^۱

۱. استادیار گروه قرآن و مستشرقان، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، قم، ایران؛ ایمیل: dr.riahi@chmail.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۱۹

کلیدواژه‌ها:

هندسه معرفتی قرآن

تفسیر تدبرمحور

کارآمدسازی تفسیر

مقام معظم رهبری

هدایت قرآنی

نظام‌مندی معارف.

در مواجهه با تحولات معرفتی و اجتماعی جهان معاصر، یکی از چالش‌های اساسی مطالعات قرآنی، دستیابی به الگویی کارآمد برای فهم هدایتی و مسئله‌محور قرآن کریم است. در این میان، تبیین «الگوی هندسه معرفتی قرآن» از منظر شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) می‌تواند چارچوبی منسجم و کاربردی برای کارآمدسازی تفسیر معاصر فراهم آورد. پژوهش حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌های هندسه معرفتی قرآن و تحلیل نقش آن در ارتقای کارآمدی تفسیر تدبرمحور انجام شده است. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، آیات قرآن، روایات اهل بیت (ع) و تفاسیر معتبر شیعه (المیزان، نمونه و مجمع البیان) سامان یافته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هندسه معرفتی قرآن در اندیشه شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) بر سه مؤلفه بنیادین استوار است: جامعیت معرفتی در پوشش ابعاد عقلی، اخلاقی و عملی حیات انسانی؛ نظام‌مندی و انسجام معارف قرآنی در جهت جلوگیری از فهم گزینشی و سطحی؛ و محوریت هدایت به‌عنوان غایت نهایی و روح حاکم بر آموزه‌های قرآنی. این الگو، با تأکید بر تدبیر، تقوا و پیوند معرفت و عمل، ضمن نفی تفسیر به رأی، زمینه استخراج الگوهای عملی برای هدایت فردی و اجتماعی را فراهم می‌سازد و تفسیر قرآن را از سطح فهم نظری به عرصه کاربردی اجتماعی و تمدنی ارتقا می‌دهد. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که الگوی هندسه معرفتی قرآن، با تکیه بر مبانی تفسیری شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، ظرفیت بالایی برای کارآمدسازی تفسیر معاصر، پاسخ‌گویی به نیازهای معرفتی جامعه اسلامی و تقویت نقش قرآن در هدایت اجتماعی و تمدن‌سازی اسلامی دارد.

استناد: ریاحی‌مهر، باقر (۱۴۰۵)، الگوی هندسه معرفتی قرآن و نقش آن در کارآمدسازی تفسیر معاصر از منظر شهید امام خامنه‌ای

«قدس سره»، دین پژوهی و کارآمدی، ۶ (۱)، ۱-۲۰.

https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_۲۱۷۳۱.html

ناشر: دانشگاه تبریز.

۱- مقدمه

قرآن، کلام بی‌مثال الهی، از بدو نزولش بر قلب نبی مکرم اسلام (ص) محور هدایت و سعادت بشری بوده و در طول تاریخ، مفسران و عالمان اسلامی با تأسی به این کتاب آسمانی، راه‌های فهم و تبیین معارف آن را کاویده‌اند. در این میان، نظریه‌های تفسیری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای فهم عمیق و روشمند آیات الهی، نقشی بی‌بدیل در بسط معارف قرآنی ایفا کرده‌اند. در عصر حاضر، اهتمام شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) به مباحث قرآنی و ارائه نظریه تفسیری منسجم و چندوجهی، نه تنها در حوزه معرفت دینی، بلکه در ساحت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز تأثیراتی عمیق بر جای گذاشته است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه اهتمام معظم‌له به مباحث قرآنی با نظریه تفسیری ایشان، در پی آن است که اصول، قواعد، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری ایشان را تحلیل کرده و بازتاب آن را در سه ساحت بینش، گرایش و رفتار مورد کاوش قرار دهد.

اهتمام شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) به قرآن کریم، ریشه در عمق نگاه معرفتی و مسئولیت‌پذیری ایشان به‌عنوان فقیهی جامع‌الاطراف و رهبری حکیم دارد. بیانات معظم‌له، که در مناسبت‌های گوناگون، از جلسات تفسیر قرآن گرفته تا دیدارهای عمومی و تخصصی ایراد شده‌اند، گواهی روشن بر این مدعاست. این بیانات، که در قالب مجموعه‌ای مدون و با استناد دقیق به تاریخ و مناسبت ارائه شده‌اند (بیانات در دیدار با قاریان قرآن: ۱۳۸۸/۴/۱۲)، نه تنها بر ضرورت انس با قرآن تأکید دارند، بلکه چارچوبی روشمند برای فهم و تفسیر آن ارائه می‌دهند. این چارچوب، که متشکل از گرایش‌های اجتهادی، اجتماعی، عقلی و سیاسی است، نشان‌دهنده نگاهی پویا و جامع به قرآن به‌عنوان کتابی برای هدایت امت در همه اعصار است.

نظریه تفسیری شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، از چند منظر حائز اهمیت است. نخست، این نظریه به دلیل پیوند عمیق با مبانی اجتهادی، از اصالت و استحکام فقهی برخوردار است. برخلاف برخی تفاسیر که ممکن است به یک بُعد از قرآن محدود شوند، نظریه معظم‌له با تکیه بر اصول اجتهادی، به فهم چندلایه آیات اهتمام دارد. دوم، گرایش اجتماعی این نظریه، قرآن را نه تنها کتابی برای فرد، بلکه منشوری برای اصلاح جامعه و هدایت امت اسلامی معرفی می‌کند. این نگاه، به‌ویژه در بیاناتی که بر نقش قرآن در وحدت اسلامی و مقابله با تفرقه تأکید دارند (بیانات در کنگره بین‌المللی قرآن و وحدت: ۱۳۷۵/۸/۲۰)، به‌وضوح متجلی است. سوم، رویکرد عقلی در تفسیر، که از ویژگی‌های برجسته نظریه ایشان است، فهم آیات را با عقلانیت اسلامی پیوند زده و از هرگونه تحجر یا سطحی‌نگری پرهیز می‌کند. در نهایت، گرایش سیاسی تفسیر، که به نقش قرآن در مدیریت جامعه اسلامی و مقابله با استکبار جهانی می‌پردازد، این نظریه را به ابزاری برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی تبدیل کرده است.

بازتاب نظریه تفسیری شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در سه ساحت بینش، گرایش و رفتار، یکی دیگر از محورهای اصلی این پژوهش است. در ساحت بینش، این نظریه به بازسازی نگاه امت اسلامی به قرآن به‌عنوان

منبعی برای معرفت و حکمت کمک کرده است. در ساحت گرایش، با تأکید بر انس با قرآن و ترویج فرهنگ قرآنی، محبت و تعلق خاطر به این کتاب آسمانی را در دل‌ها تقویت کرده است. در ساحت رفتار، با ارائه الگوهای عملی از سبک زندگی قرآنی، به‌ویژه در حوزه‌های جهاد، عدالت‌خواهی و خدمت به مردم، راهکارهایی ملموس برای تحقق جامعه قرآنی ارائه داده است. این سه ساحت، که در بیانات معظم‌له به کرات مورد تأکید قرار گرفته‌اند (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام: ۱۳۸۴/۶/۱۵)، نشان‌دهنده عمق و جامعیت نگاه ایشان به قرآن کریم است. روش‌شناسی این پژوهش، مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره) و تطبیق آن با اصول تفسیری است. منابع اصلی این مطالعه شامل بیانات معظم‌له، کتب تفسیری مرتبط، و آثار علمی در حوزه علوم قرآنی است. این مقدمه، در پی آن است که زمینه‌ای نظری و روش‌شناختی برای بررسی عمیق‌تر موضوع فراهم آورد. در ادامه این پژوهش، با تحلیل دقیق‌تر گرایش‌های تفسیری شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره) و بازتاب آن در مباحث قرآنی، تلاش خواهد شد تا نقش بی‌بدیل ایشان در احیای فرهنگ قرآنی و هدایت امت اسلامی به سوی تمدن نوین اسلامی تبیین گردد. امید است این تلاش علمی، گامی هرچند کوچک در راستای ترویج معارف قرآن کریم و تحقق منویات قرآنی شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره) باشد.

این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. داده‌های اصلی پژوهش شامل بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره) درباره قرآن کریم است که از منابع رسمی منتشرشده، به‌ویژه پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار ایشان، استخراج شده است. در این پژوهش، مجموعه‌ای از بیانات مرتبط با موضوع قرآن و تدبیر در آن، در بازه زمانی تقریبی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفته است. واحد تحلیل در این تحقیق، گزاره‌ها و مضامین مرتبط با ماهیت، کارکرد و ساختار معارف قرآن در بیانات معظم‌له است. در مرحله نخست، متون گردآوری‌شده به‌صورت اکتشافی مطالعه و مضامین کلیدی مربوط به ویژگی‌های معرفتی قرآن شناسایی شد. سپس با کدگذاری مفهومی این مضامین، محورهای مشترک و تکرارشونده استخراج گردید. در مرحله بعد، کدهای به‌دست‌آمده در قالب مقوله‌های کلان سامان‌دهی شد که حاصل آن شناسایی سه محور اصلی «جامعیت معرفتی»، «نظام‌مندی معارف» و «محوریت هدایت» به‌عنوان مؤلفه‌های هندسه معرفتی قرآن بود. در نهایت، این مؤلفه‌ها با آیات قرآن و دیدگاه‌های مفسران شیعه در تفاسیر معتبر تطبیق داده شد تا انسجام تحلیلی و اعتبار مفهومی نتایج تقویت گردد.

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های معاصر در حوزه معارف قرآنی و تفسیر، به‌ویژه با تأکید بر رویکردهای کاربردی و هدایت‌محور، طی دهه‌های اخیر گسترش یافته‌اند. در این راستا، مطالعات متعددی به بررسی جنبه‌های نظری و عملی قرآن در بستر اجتماعی و تمدنی پرداخته‌اند. برای نمونه، حسینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای در مجله پژوهش‌های قرآنی،

به تحلیل نقش تدبر در فهم معارف قرآنی پرداخته و بر ضرورت پیوند فهم آیات با عمل اجتماعی تأکید کرده است. همچنین، محمدی (۱۳۹۹) در پژوهشی در *فصلنامه تفسیر و تحلیل متون دینی*، با تمرکز بر روش‌های تفسیری معاصر، تدبر را به‌عنوان رویکردی نظام‌مند برای استخراج الگوهای هدایتی بررسی کرده است. در حوزه تمدن‌سازی اسلامی، رضایی (۱۴۰۰) در *مجله مطالعات تمدن اسلامی*، به نقش قرآن در ارائه چارچوب‌های تمدنی پرداخته و بر ظرفیت آیات در شکل‌دهی به نظام اجتماعی تأکید ورزیده است. با این حال، این پژوهش‌ها کمتر به تبیین یک هندسه جامع معرفتی برای قرآن پرداخته‌اند. از سوی دیگر، برخی مطالعات، مانند پژوهش احمدی (۱۳۹۷) در *فصلنامه علوم قرآنی*، به بررسی نظام‌مندی معارف قرآنی پرداخته و بر انسجام مضمونی آیات در هدایت امت اسلامی تمرکز کرده‌اند، ریاحی‌مهر و حسینی‌پور (۱۴۰۳) در مقاله بررسی و نقد تفاسیر واعظانه قرآن و علی‌انساب و همکاران (۱۴۰۴) نیز در مقاله طراحی الگوی قرآنی شناسایی و مواجهه با دین‌ابزاری در فصلنامه دین‌پژوهی و کارآمدی ابعادی از هندسه معرفتی مبتنی بر قرآن را مورد توجه قرار داده‌اند؛ اما این آثار عمدتاً فاقد پیوند صریح با دیدگاه‌های شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) هستند. همچنین، کریمی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای در *مجله معرفت*، به نقش نهضت مواسات در تحقق عدالت اجتماعی از منظر آیات قرآنی پرداخته، اما این مطالعه به چارچوب نظری جامعی برای معارف قرآنی نرسیده است.

این پژوهش، با ابتنا بر اندیشه شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) (مدظله‌العالی)، برای نخستین بار هندسه معرفتی قرآن را با مؤلفه‌های جامعیت معرفتی، نظام‌مندی معارف، و محوریت هدایت به‌صورت نظام‌مند تبیین کرده و آن را با تفسیر تدبرمحور پیوند داده است. برخلاف مطالعات پیشین که به‌صورت پراکنده به جنبه‌های هدایتی یا تمدنی قرآن پرداخته‌اند، این مطالعه با تحلیل بیانات معظم‌له و تلفیق آن با اصول تفسیری، چارچوبی نوین ارائه می‌دهد که نه تنها فهم عمیق معارف قرآنی را ممکن می‌سازد، بلکه با تأکید بر الگوهای عملی نظیر نهضت مواسات، راهکارهایی کاربردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی عرضه می‌کند. این رویکرد، با التزام به اصول شرعی و پرهیز از تفسیر به رأی، گامی بدیع در احیای فرهنگ قرآنی و پاسخ به نیازهای معاصر است.

۳- مفهوم‌شناسی تفسیر تدبرمحور

واژه «تدبر» از ریشه «دَبَر» در لغت عربی به معنای تأمل، ژرف‌اندیشی و نگرستن به نتایج و عواقب امور است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۴۲). در قرآن کریم، «تدبر» به معنای تأمل عمیق در آیات الهی برای درک معانی و مقاصد آن به کار رفته است، چنان‌که در آیه «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء: ۸۲) به این معنا اشاره شده است.

در اصطلاح علوم قرآنی، تفسیر تدبرمحور رویکردی است که بر فهم عمیق، کاربردی و هدفمند معارف قرآنی تأکید دارد. این روش، برخلاف تفاسیر صرفاً لغوی یا روایی، به پیوند آیات با یکدیگر، استخراج نظام‌مند

معانی و کاربرد آن در زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد. علامه طباطبایی در المیزان، تدبیر را کلید فهم انسجام آیات و کشف مقاصد الهی می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۲۳). همچنین، شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) بر تدبیر به عنوان روشی برای انس با قرآن و استخراج هدایت‌های عملی تأکید دارند (بیانات در دیدار با قاریان قرآن: ۱۳۸۸/۴/۱۲). این رویکرد، فهم قرآن را به سطحی فراتر از ترجمه و شرح لغات برده و به سوی تبیین نظام فکری و عملی آن سوق می‌دهد.

تفسیر تدبیرمحور، روشی است که با تأمل عمیق در آیات، به دنبال کشف معانی منسجم و کاربردی برای هدایت انسان در ابعاد فردی، اجتماعی و تمدنی است. این رویکرد، با تکیه بر منابع معتبر تفسیری و تأکید بر پیوند عقل و وحی، نه تنها به فهم بهتر قرآن کمک می‌کند، بلکه آن را به منبعی پویا برای حل مسائل معاصر تبدیل می‌سازد.

۴- مؤلفه‌های هندسه معرفتی قرآن

بر اساس تحلیل بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) درباره قرآن کریم، سه محور اصلی در تبیین ساختار معرفتی قرآن قابل شناسایی است: جامعیت معرفتی، نظام‌مندی معارف و محوریت هدایت. جامعیت معرفتی به معنای پوشش ابعاد گوناگون حیات انسانی در معارف قرآن است؛ نظام‌مندی ناظر به پیوند درونی و انسجام میان آموزه‌های قرآنی است؛ و محوریت هدایت بیانگر آن است که غایت همه معارف قرآن هدایت انسان به سوی کمال و سعادت است. هندسه معرفتی قرآن از منظر شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، با تأکید بر شاکله‌ای منسجم، نظام‌مند و هدفمند برای سامان‌دهی معارف و حیانی، تبیین می‌شود. مراد از هندسه معرفتی، ساختار کلانی است که روابط درونی، تناسب موضوعی و پیوند مفهومی آیات و آموزه‌های قرآنی را در قالب یک مجموعه جامع و هدایتگر سامان می‌دهد. امام شهید، ضمن تأکید بر نقش قرآن به عنوان نقشه راه سعادت فردی و اجتماعی، این هندسه را مشتمل بر سه مؤلفه اصلی معرفی می‌نماید: نخست، جامعیت معرفتی قرآن که بدین معناست که قرآن همه ابعاد زندگی بشر از عقلانیت فکری و ساختارهای اخلاقی تا برنامه عملی را شامل می‌شود. بیان ایشان درباره «جامع بودن قرآن برای همه شئون حیات بشری» (بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در محفل انس با قرآن، ۱۳۷۰/۸/۱)، گویای این گستره وسیع است؛ به گونه‌ای که هیچ نیاز معرفتی بشر فراتر از ساحت قرآن قرار نمی‌گیرد و عقل، اخلاق و عمل را به صورت توأمان پوشش می‌دهد. دوم، نظام‌مندی معارف قرآنی، که اشاره به انسجام درونی، هماهنگی سیاقی و هدفمند بودن محتوای آیات دارد؛ این نظام‌مندی چنان است که هر آیه و سوره، جزئی از ساختار کلان هدایتی شمرده می‌شود و معانی آن در تعامل و ارتباط مستمر با سایر آیات فهم می‌گردد. شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در این زمینه بر «ساختار منسجم قرآن» (بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در محفل انس با قرآن، ۱۴۰۰/۱/۲۵) و پیوستگی اهداف تربیتی آن تأکید دارند.

و تأمل در این نظم، مانع تفسیر گزینشی و سطحی‌شدن فهم قرآنی می‌گردد. سومین مؤلفه، محوریت هدایت در تمام لایه‌های معرفتی قرآن است؛ به این معنا که همه اصول و گزاره‌های قرآنی ناظر به هدایت و شکوفایی بشری بوده و هدایت‌گری به‌مثابه روح حاکم بر این هندسه مطرح است. رهبر انقلاب، هدایت را اصلی‌ترین غایت قرآن دانسته و تصریح می‌کنند که بدون فهم روح هدایتی آیات، تمسک به قرآن ناقص می‌ماند (بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، ۱۳۸۰/۳/۱۰). در مجموع، هندسه معرفتی قرآن از منظر معظم‌له، نه صرفاً تعبیری انتزاعی، بلکه شیرازه‌ای عملی، یکپارچه و ناظر به نیازهای روز انسان معاصر است که با جامعیت، نظم و هدایت، زمینه‌ساز کارآمدی قرآن در تمدن‌سازی اسلامی و پاسخگویی به چالش‌های فراروی جامعه دینی می‌گردد.

هندسه معرفتی قرآن در این پژوهش به‌معنای «چارچوبی مفهومی برای تبیین ساختار کلان معارف قرآنی و نحوه ارتباط میان ساحت‌های مختلف آن» است. مراد از این اصطلاح، ارائه یک روش تفسیری مستقل یا مکتب تفسیری جدید نیست، بلکه مقصود، بازسازی الگوی کلی سامان‌یافتگی معارف قرآن در اندیشه شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) است؛ الگویی که نشان می‌دهد معارف قرآنی چگونه در قالب مجموعه‌ای منسجم و هدفمند، ابعاد مختلف هدایت انسان را پوشش می‌دهند. بنابراین، «هندسه معرفتی» در این مقاله بیشتر ناظر به یک چارچوب تحلیلی برای فهم نظام‌مندی معارف قرآن است که از خلال بیانات امام شهید درباره قرآن استخراج شده است.

۴-۱. مبنای استخراج مؤلفه‌های هندسه معرفتی قرآن

«در این پژوهش، مؤلفه‌های هندسه معرفتی قرآن از طریق تحلیل محتوای بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) درباره قرآن کریم استخراج شده است. در این فرایند، مجموعه‌ای از بیانات معظم‌له که به تبیین جایگاه، کارکردها و ساختار معارف قرآن پرداخته‌اند، مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله نخست، مضامین کلیدی مرتبط با ویژگی‌های معرفتی قرآن شناسایی شد و سپس با تحلیل و مقایسه این مضامین، محورهای مشترک و تکرارشونده استخراج گردید. نتیجه این تحلیل نشان داد که سه محور «جامعیت معرفتی قرآن»، «نظام‌مندی معارف قرآنی» و «محوریت هدایت در آموزه‌های قرآن» بیش از سایر مضامین در بیانات معظم‌له مورد تأکید قرار گرفته‌اند. از این‌رو این سه محور به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی هندسه معرفتی قرآن در این پژوهش در نظر گرفته شده‌اند.»

۴-۲. جامعیت معرفتی

جامعیت معرفتی قرآن، به معنای پوشش همه‌جانبه ابعاد عقلی، اخلاقی و عملی زندگی بشر، یکی از مؤلفه‌های بنیادین هندسه معرفتی آن است. شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در بیانات خود تأکید دارند که

قرآن، کتابی است که برای تمامی شئون حیات انسانی برنامه ارائه می‌دهد (بیانات در محفل انس با قرآن: ۱۳۷۰/۸/۱). این جامعیت، در تفسیر آیات ابتدایی سوره بقره در میزان نیز مورد تأکید قرار گرفته، جایی که علامه طباطبایی قرآن را منبعی برای هدایت فکری و عملی بشر می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۸). در بُعد عقلی، قرآن با آیاتی نظیر «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره: ۱۶۴) انسان را به تأمل در نظام خلقت و بهره‌گیری از عقل در فهم حقایق دعوت می‌کند. تفسیر نمونه، این آیه را گواهی بر تحریک عقل برای کشف معارف الهی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۲۳). در بُعد اخلاقی، قرآن با تأکید بر فضایل اخلاقی مانند صبر، صدق و توکل، نظام ارزشی جامعی ارائه می‌دهد. برای مثال، آیه «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۴۵) به صبر به عنوان ابزاری برای تهذیب نفس اشاره دارد که در تفسیر نور به عنوان پایه اخلاق قرآنی معرفی شده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۸۹). مطهری نیز در نظام حقوقی زن در اسلام، قرآن را منبعی برای تعادل عقل و وحی در تمدن‌سازی می‌داند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۵۸).

در بُعد عملی، قرآن احکام و دستورات عملی نظیر نماز، زکات و جهاد را برای تنظیم رفتار فردی و اجتماعی وضع کرده است. آیه «وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره: ۴۳) نمونه‌ای از این دستورات است که طبرسی در مجمع‌البیان آن را پایه‌های عملی حیات طیبه معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۲). روایات اهل بیت (ع) نیز بر این جامعیت تأکید دارند؛ چنان‌که امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «فيه ربيع القلب و ينابيع العلم» (خطبه ۱۹۸)، که اشاره به نقش قرآن در پرورش قلب و دانش بشری دارد (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۲).

شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره)، این جامعیت را در راستای تمدن‌سازی اسلامی تفسیر می‌کنند و معتقدند قرآن، با ارائه برنامه‌ای جامع، انسان را از فردگرایی به سوی جامعه‌سازی متعالی هدایت می‌کند (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام: ۱۳۸۴/۶/۱۵). این نگاه، در تطبیق با تفسیر میزان، نشان‌دهنده پیوند عمیق میان معرفت قرآنی و عمل اجتماعی است. جامعیت قرآن، نه تنها پاسخگوی نیازهای معرفتی و معنوی است، بلکه با ارائه الگوهای عملی، زمینه‌ساز تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و معنویت می‌شود. این مؤلفه، با ایجاد تعادل میان عقل، اخلاق و عمل، هندسه معرفتی قرآن را به عنوان نظامی پویا و کارآمد معرفی می‌کند.

۳-۴. نظام‌مندی معارف

نظام‌مندی معارف قرآنی، به معنای وحدت و پیوستگی مضمونی آیات در راستای هدایت بشر، دومین مؤلفه هندسه معرفتی قرآن است. شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره) در بیانات خود، قرآن را کتابی دارای ساختار منسجم می‌داند که آیات آن در خدمت هدفی واحد، یعنی هدایت امت، قرار دارند (بیانات در دیدار با فعالان

قرآنی: ۱۴۰۰/۱/۲۵). این نظام‌مندی، در روایات نهج‌البلاغه نیز مورد تأکید است، جایی که امام علی (ع) قرآن را «نظام‌نامه‌ای برای هدایت» معرفی می‌کنند (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۱۶۵؛ خطبه ۱۱۰، نهج‌البلاغه). نظام‌مندی قرآن در انسجام مضمونی آیات آن نمود می‌یابد. (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴) برای مثال، آیات سوره بقره، از توحید و معاد تا احکام عملی، در چارچوبی یکپارچه، انسان را به‌سوی تقوا هدایت می‌کنند. علامه طباطبایی در المیزان، این انسجام را نتیجه سیاق‌مندی آیات می‌داند که هر آیه در ارتباط با آیات دیگر معنا می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۵). همچنین، تفسیر نمونه بر پیوستگی معارف قرآنی در ارائه نظام فکری تأکید دارد و معتقد است قرآن، با تکرار مضامین کلیدی مانند توحید و عدالت، نظامی هماهنگ را ترسیم می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۶).

روایات اهل‌بیت (ع) نیز بر این نظام‌مندی صحه می‌گذارند. در حدیثی از امام صادق (ع) در الکافی آمده است: «إن القرآن یفسر بعضه بعضاً» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۶۲۹)، که نشان‌دهنده پیوستگی درونی آیات است. این دیدگاه، در تفسیر عیاشی نیز تأیید شده، جایی که فهم قرآن به ارتباط میان آیات وابسته دانسته می‌شود (عیاشی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۳۴).

شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، نظام‌مندی قرآن را در خدمت وحدت امت اسلامی تفسیر می‌کنند و معتقدند آیات قرآنی، با ایجاد پیوند میان عقیده و عمل، امت را به‌سوی هدف مشترک هدایت می‌کنند (بیانات در کنگره قرآن و وحدت: ۱۳۷۵/۸/۲۰). این نگاه، در مقایسه با تفسیر مجمع‌البیان، که وحدت مضمونی قرآن را کلید فهم هدایت می‌داند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۸)، نشان‌دهنده عمق تحلیل معظم‌له است. نظام‌مندی معارف، با ایجاد ساختاری منسجم، قرآن را به منبعی پویا برای پاسخ به چالش‌های معاصر تبدیل می‌کند و نقش آن را در تمدن‌سازی اسلامی برجسته می‌سازد.

۴-۴. محوریت هدایت

محوریت هدایت، به‌عنوان سومین مؤلفه هندسه معرفتی قرآن، جوهره اصلی این کتاب الهی را تشکیل می‌دهد. قرشی در قاموس قرآن، «هدایت» را راهنمایی به سوی سعادت تعریف می‌کند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۴۸) بسیاری از مفسران شیعه، قرآن را منبعی برای هدایت همه‌جانبه بشر معرفی می‌کنند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۲) قرآن خود را «هدی للناس» و «هدی للمتقین» معرفی می‌کند (بقره: ۲-۵)، که نشان‌دهنده رسالت آن در هدایت همه‌جانبه بشر است. شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، هدایت را روح حاکم بر قرآن می‌داند که تمامی معارف آن را به‌سوی سعادت بشر سوق می‌دهد (بیانات در دیدار با فعالان قرآنی: ۱۴۰۰/۱/۲۵).

آیات ابتدایی سوره بقره، با تأکید بر هدایت متقین، چارچوبی برای فهم این مؤلفه ارائه می‌دهند. تفسیر نور، هدایت را فرآیندی تدریجی می‌داند که با ایمان، عمل صالح و تقوا محقق می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۵). همچنین، المیزان، هدایت را هدف نهایی قرآن معرفی می‌کند که از طریق آیات روشنگر (آیات بینات) به دست می‌آید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷۲).

روایات اهل بیت (ع) نیز این محوریت را تأیید می‌کنند؛ و قرآن را نور هدایت می‌دانند (صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۵) چنان‌که امام رضا (ع) در تفسیر عیاشی می‌فرمایند: «القرآن نور الهدایه» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۱).

شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، هدایت قرآنی را در راستای تحقق تمدن اسلامی تفسیر می‌کنند و معتقدند قرآن، با ارائه الگوهای هدایتی، امت را به سوی عدالت و پیشرفت رهنمون می‌سازد (بیانات در دیدار با دانشجویان: ۱۳۸۰/۳/۱۰). این دیدگاه، با تفسیر نمونه که هدایت را شامل ابعاد فردی و اجتماعی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۳)، همخوانی دارد. محوریت هدایت، با پیوند زدن معارف قرآنی به نیازهای بشری، نقش قرآن را به عنوان چراغ راه تمدن اسلامی تثبیت می‌کند.

البته این سه مؤلفه به معنای انحصار همه ابعاد هندسه معرفتی قرآن در این موارد نیست، بلکه مهم‌ترین محورهایی هستند که بر اساس تحلیل بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در این پژوهش استخراج شده‌اند و می‌توانند چارچوبی کلی برای فهم ساختار معارف قرآن در این دیدگاه فراهم آورند.

۵- پیوند هندسه معرفتی با تفسیر تدبیر محور

هندسه معرفتی قرآن، به عنوان چارچوبی منسجم برای فهم معارف الهی، با تفسیر تدبیر محور پیوندی عمیق دارد، زیرا تدبیر، کلید ورود به لایه‌های باطنی و هدایتی آیات است. شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، تدبیر را روشی برای کشف نظام‌های معرفتی قرآن و استخراج هدایت‌های آن برای زندگی فردی و اجتماعی می‌دانند (بیانات در محفل انس با قرآن: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲). این پیوند، نه تنها فهم قرآن را از سطح ظاهری به عمق معانی باطنی ارتقا می‌دهد، بلکه با تأکید بر تقوا و التزام به چارچوب‌های شرعی، از انحرافات تفسیری جلوگیری می‌کند. در این بخش، سه محور اصلی این پیوند، یعنی تدبیر به عنوان ابزار فهم، نقش تقوا و خشیت در بهره‌مندی از هدایت، و تمایز تدبیر از تفسیر به رأی، با استناد به بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، آیات قرآن، و تفاسیر معتبر مانند تفسیر نمونه، مجمع‌البیان، المیزان، و روایات اهل بیت (ع) بررسی می‌شود. این تحلیل، نقش تدبیر محور را در تبیین هندسه معرفتی قرآن و تحقق اهداف هدایتی آن روشن می‌سازد.

۵-۱. تدبر به عنوان ابزار فهم

تدبر، به عنوان ابزار اصلی فهم هندسه معرفتی قرآن، تأملی عمیق و هدفمند در آیات برای کشف معانی باطنی و مقاصد الهی است. راغب اصفهانی در مفردات، «تدبر» را تأمل عمیق در معانی آیات تعریف می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۱۲) شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در این باره می‌فرماید: «تدبر در قرآن یعنی غور کردن در معانی آیات، پیوند دادن آیات به یکدیگر و کشف نظام معرفتی که قرآن برای هدایت انسان ارائه کرده است» (بیانات در محفل انس با قرآن: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲). این کلام، تدبر را فراتر از قرائت سطحی یا ترجمه لغوی معرفی می‌کند و بر نقش آن در فهم نظام‌مند معارف قرآنی تأکید دارد. تحلیل این بیان نشان می‌دهد که تدبر، روشی است که با ایجاد پیوند میان آیات، انسجام مضمونی و هدایتی قرآن را آشکار می‌سازد. شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در واقع تدبر را روشی برای انسان با معارف قرآنی می‌داند. (بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، ۱۳۸۸/۴/۱۲)

مصباح یزدی در خصوص تدبر در قرآن و اثر آن بر معرفت و سعادت بشر می‌نویسد: تدبر در معارف قرآن، پیوندی برای پیوند عقل و وحی و رسیدن به کمال سعادت و معرفت است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۵۵) قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره ص می‌فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ». تفسیر نمونه این آیه را دعوتی به تأمل عمیق در آیات برای کشف معانی باطنی و کاربردی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص ۳۴۵). علامه طباطبایی نیز در المیزان، تدبر را کلید فهم مقاصد الهی و پیوند آیات با یکدیگر معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۲۳). این دیدگاه، با کلام شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) همخوانی دارد، زیرا هر دو بر نقش تدبر در کشف نظام معرفتی تأکید دارند.

روایات اهل بیت (ع) نیز تدبر را ابزار فهم عمیق قرآن می‌دانند. امام صادق (ع) در الکافی می‌فرماید: «مَنْ تَدَبَّرَ الْقُرْآنَ عَرَفَ مَا فِيهِ مِنَ الْهُدَى» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۶۳۰). این حدیث، تدبر را راهی برای کشف هدایت قرآنی معرفی می‌کند. برخی از مفسران نیز بر این نکته تأکید دارند که تدبر، فهم آیات را از سطح ظاهری به لایه‌های عمیق‌تر می‌برد و در واقع تدبر، کلید فهم معارف قرآنی است. (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۶۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۴۵).

از منظر شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، تدبر نه تنها به فهم معارف قرآنی کمک می‌کند، بلکه با پیوند دادن آیات به مسائل روز، راهکارهایی برای چالش‌های معاصر ارائه می‌دهد. ایشان با تأکید بر انسجام آیات، معتقدند که تدبر، نظام فکری قرآن را برای هدایت امت اسلامی آشکار می‌سازد. این نگاه، در مقایسه با تفسیر نور، که تدبر را روشی برای استخراج الگوهای عملی از قرآن می‌داند (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۱۰، ص ۶۷)، نشان‌دهنده عمق و جامعیت دیدگاه معظم‌له است.

تدبیر، با ایجاد ارتباط میان آیات و استخراج مضامین کلیدی، هندسه معرفتی قرآن را به عنوان نظامی پویا و هدایت گر تبیین می کند. این ابزار، با تکیه بر عقل و تأمل، انسان را به فهم مقاصد الهی و کاربرد آن در زندگی فردی و اجتماعی رهنمون می سازد. بنابراین، تدبیر نه تنها ابزار فهم است، بلکه پلی است میان معارف قرآنی و عمل به آن ها در راستای تحقق تمدن اسلامی.

۵-۲. نقش تقوا و خشیت

تقوا و خشیت، به عنوان پیش نیازهای بهره مندی از هدایت قرآنی، نقش محوری در پیوند هندسه معرفتی با تفسیر تدبیر محور دارند. شهید امام خامنه ای (قدس سره) در این باره می فرماید: «قرآن برای هدایت کسانی نازل شده که دل هایشان با تقوا و خشیت الهی آماده دریافت معارف الهی است. بدون تقوا، فهم عمیق قرآن ممکن نیست» (بیانات در دیدار با فعالان قرآنی: ۱۴۰۰/۱/۲۵). این کلام، تقوا را شرط لازم برای فهم هدایت قرآنی معرفی می کند و بر نقش خشیت در آماده سازی قلب برای تدبیر تأکید دارد. تحلیل این بیان نشان می دهد که تقوا، با پاک سازی قلب از موانع معرفتی، زمینه ساز فهم عمیق و تدبیر در آیات است. در واقع تقوا، شرط فهم عمیق آیات قرآن کریم می باشد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۶۵) قرآن در آیات ۲-۳ سوره طه می فرماید: «مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ۖ إِلَّا تَذَكُّرٌ لِّمَن يَخْشَىٰ». تفسیر نمونه، خشیت را حالتی معنوی می داند که قلب را برای پذیرش هدایت آماده می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۱۲۳). همچنین، آیه ۱۱ سوره زمر، «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»، بر نقش تقوا در فهم عمیق تأکید دارد. علامه طباطبایی در المیزان، تقوا را سپری در برابر انحرافات فکری و مقدمه ای برای تدبیر می داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۸۹).

روایات اهل بیت (ع) نیز بر این پیش نیاز تأکید دارند. امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «التَّقْوَىٰ مِفْتَاحُ الْهُدَايَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳). این کلام، تقوا را کلید ورود به هدایت قرآنی معرفی می کند. تفسیر عیاشی نیز خشیت را حالتی می داند که قلب را برای فهم باطنی آیات آماده می سازد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۶).

از دیدگاه شهید امام خامنه ای (قدس سره)، تقوا و خشیت، با ایجاد پاکی درونی، انسان را به فهم لایه های عمیق تر معارف قرآنی رهنمون می کنند. ایشان با تأکید بر آماده سازی قلب، معتقدند که بدون تقوا، تدبیر به سطحی نگری منجر می شود. این نگاه، با تفسیر مجمع البیان، که تقوا را شرط بهره مندی از هدایت می داند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۷)، همخوانی دارد. تقوا، با ایجاد ارتباط معنوی میان انسان و قرآن، زمینه ساز فهمی تدبیر محور و هدایت محور است.

نقش تقوا و خشیت در هندسه معرفتی قرآن، به‌عنوان عاملی برای تعمیق فهم و جلوگیری از انحراف، جایگاه ویژه‌ای دارد. این مؤلفه، با پیوند دادن قلب به معارف الهی، تدبیر را به ابزاری برای کشف هدایت تبدیل می‌کند و نقش آن را در تحقق اهداف قرآنی برجسته می‌سازد.

۵-۳. تمایز از تفسیر به رأی

تمایز تفسیر تدبرمحور از تفسیر به رأی، با التزام به چارچوب‌های شرعی و پرهیز از تحمیل نظرات شخصی، سومین محور پیوند هندسه معرفتی با تدبر است. شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در این باره می‌فرمایند: «تفسیر قرآن باید با رعایت ضوابط شرعی و با استناد به آیات، روایات و عقل باشد. تدبر، به معنای تحمیل رأی شخصی نیست، بلکه کشف مقاصد الهی در چارچوب اصول تفسیری است» (بیانات در محفل انس با قرآن: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲). این کلام، مرز میان تدبر و تفسیر به رأی را روشن می‌کند و بر ضرورت پایبندی به مبانی شرعی تأکید دارد. تحلیل این بیان نشان می‌دهد که تدبر، روشی نظام‌مند و مبتنی بر اصول است که از انحرافات تفسیری جلوگیری می‌کند.

طبرسی در مجمع‌البیان، تفسیر به رأی را تحمیل نظرات شخصی بر آیات بدون استناد به منابع معتبر می‌داند و آن را ممنوع می‌شمارد (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۵). علامه طباطبایی نیز در المیزان، التزام به سیاق آیات و روایات را شرط صحت تفسیر می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴). روایات اهل‌بیت (ع) نیز بر این نکته تأکید دارند؛ چنان‌که پیامبر (ص) در حدیثی فرمودند: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۳۱).

از منظر شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، تدبرمحور بودن تفسیر، با پایبندی به اصول شرعی، از تحریف معانی قرآن جلوگیری می‌کند. ایشان با تأکید بر استناد به آیات و روایات، تدبر را روشی برای کشف مقاصد الهی می‌دانند. این دیدگاه، با تفسیر نمونه، که تفسیر به رأی را مانع فهم صحیح می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۴)، همسوست. تمایز تدبر از تفسیر به رأی، هندسه معرفتی قرآن را از انحرافات حفظ کرده و آن را به‌عنوان نظامی اصیل و هدایت‌گر تثبیت می‌کند.

در جمع‌بندی مباحث پیش‌گفته می‌توان گفت که پیوند میان «هندسه معرفتی قرآن» و «تفسیر تدبرمحور» رابطه‌ای صرفاً روشی نیست، بلکه ارتباطی معرفتی و هدایتی است. هندسه معرفتی قرآن، ناظر به ساختار منسجم و هدفمند معارف قرآنی است و تدبر، ابزاری است که امکان کشف این ساختار را برای مفسر فراهم می‌سازد. بدون تدبر، آیات قرآن ممکن است به‌صورت گزاره‌هایی پراکنده فهمیده شوند، اما با تدبر، پیوندهای درونی میان آیات آشکار می‌شود و نظام هدایتی قرآن در ساحت‌های مختلف زندگی انسان نمایان می‌گردد.

از این منظر، تدبیر را می‌توان یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به فهم نظام‌مند از معارف قرآن دانست. تدبیر با تأمل در سیاق آیات، ارتباط میان مفاهیم و توجه به مقاصد کلان قرآن، به مفسر کمک می‌کند تا از فهم‌های جزئی و پراکنده عبور کرده و به درکی جامع از پیام الهی برسد. در واقع، تدبیر زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا جامعیت، انسجام و جهت‌گیری هدایتی قرآن به‌عنوان عناصر اصلی هندسه معرفتی آن آشکار شود.

در عین حال، بهره‌گیری صحیح از تدبیر مستلزم فراهم بودن شرایط معرفتی و معنوی است. همان‌گونه که در بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره) و نیز در منابع تفسیری و روایی تأکید شده است، تقوا و خشیت الهی نقش مهمی در گشودگی قلب و آمادگی انسان برای دریافت معارف قرآن دارند. از این رو، تدبیر صرفاً یک فعالیت ذهنی و عقلانی نیست، بلکه فرآیندی است که با تهذیب نفس و آمادگی معنوی نیز پیوند دارد. چنین رویکردی مانع آن می‌شود که تدبیر به برداشت‌های سلیقه‌ای یا تفسیر به رأی تبدیل شود.

بر این اساس، می‌توان گفت که تفسیر تدبیرمحور در چارچوب ضوابط معتبر تفسیری، زمینه‌ای مناسب برای فهم هندسه معرفتی قرآن فراهم می‌کند. این رویکرد نه تنها به کشف پیوندهای درونی معارف قرآن کمک می‌کند، بلکه امکان بهره‌گیری از هدایت‌های قرآنی در مسائل فردی و اجتماعی معاصر را نیز افزایش می‌دهد. در نتیجه، توجه به تدبیر به‌عنوان روشی نظام‌مند و هدایت‌محور می‌تواند نقش مهمی در کارآمدسازی فهم و تفسیر قرآن در شرایط امروز ایفا کند و زمینه شکل‌گیری نگرشی جامع‌تر به معارف قرآنی را فراهم آورد.

۶- کاربردهای عملی هندسه معرفتی در هدایت اجتماعی

هندسه معرفتی قرآن، فراتر از چارچوبی نظری، نقشه‌ای عملی برای هدایت اجتماعی و تحقق جامعه‌ای متعالی است. شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره)، قرآن را نه تنها کتاب معرفت، بلکه منشوری برای عمل و اصلاح جامعه معرفی می‌کنند و بر لزوم استخراج الگوهای عملی از آن تأکید دارند (بیانات در دیدار با فعالان قرآنی: ۱۴۰۰/۱/۲۵). این هندسه، با پیوند معرفت و عمل، درس‌های سیاسی و اجتماعی را برای مبارزه با ظلم و ترویج عدالت ارائه می‌دهد و جلوه‌هایی مانند نهضت مواسات را به‌عنوان الگوهای قرآنی معرفی می‌کند. در این بخش، سه محور اصلی کاربردهای عملی هندسه معرفتی، یعنی پیوند معرفت و عمل، هدایت اجتماعی، و نمونه‌های عملی، با تکیه بر بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره)، آیات قرآن، روایات اهل بیت (ع)، و تفاسیر معتبر مانند تفسیر نور، المیزان، تفسیر نمونه، و مجمع‌البیان بررسی می‌شود. این تحلیل، نقش قرآن را در هدایت اجتماعی و تمدن‌سازی اسلامی تبیین می‌کند.

۶-۱. پیوند معرفت و عمل

پیوند معرفت و عمل، به عنوان یکی از ارکان هندسه معرفتی قرآن، تأکید دارد که فهم قرآن باید به عمل صالح منجر شود، زیرا قرآن کتاب هدایت عملی است. شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در این باره می‌فرماید: «قرآن کتابی است که باید به آن عمل کرد. اگر معرفت قرآنی به عمل نینجامد، مانند درختی است که میوه نمی‌دهد. عمل به قرآن، یعنی زندگی را بر اساس هدایت آن تنظیم کردن» (بیانات در دیدار با قاریان قرآن: ۱۳۷۹/۸/۹). این کلام، بر ضرورت پیوند میان فهم آیات و به کارگیری آن‌ها در زندگی تأکید دارد و قرآن را منبعی برای اصلاح رفتار فردی و اجتماعی معرفی می‌کند. تحلیل این بیان نشان می‌دهد که معرفت قرآنی، بدون عمل، ناقص است و عمل به قرآن، تحقق اهداف هدایتی آن را ممکن می‌سازد. در کلام برخی از اندیشمندان مسلمان نیز، عمل به معارف قرآنی، لازمه تحقق هدایت دانسته شده است. (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۷۲)

قرآن کریم در آیات متعدد، مانند «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (بقره: ۲۵)، ایمان و عمل صالح را در کنار هم قرار داده و هدایت را نتیجه این پیوند می‌داند. تفسیر نور، این آیه را گواهی بر ضرورت عمل به معارف قرآنی می‌داند و معتقد است که ایمان بدون عمل، به هدایت کامل منجر نمی‌شود (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲۳). علامه طباطبایی در المیزان نیز تأکید دارد که قرآن، با ارائه نظام معرفتی، انسان را به عمل بر اساس آن دعوت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸۹).

روایات اهل بیت (ع) نیز بر این پیوند تأکید دارند و عمل به قرآن را لازمه هدایت می‌داند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۱۰) امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید: «ما فی القرآن آیه الا ولها ظهر و بطن» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۶۲۸)، که اشاره به لایه‌های ظاهری و باطنی آیات دارد. تفسیر عیاشی این حدیث را به معنای ضرورت فهم و عمل به هر دو بُعد ظاهری (احکام) و باطنی (اخلاق و معرفت) تفسیر می‌کند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۳). این دیدگاه، با کلام شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) همخوانی دارد، زیرا ایشان نیز عمل به قرآن را شامل تنظیم زندگی بر اساس احکام و ارزش‌های آن می‌دانند.

شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، با تأکید بر سبک زندگی قرآنی، معتقدند که پیوند معرفت و عمل، جامعه را به سوی عدالت و معنویت هدایت می‌کند. ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «قرآن باید در متن زندگی مردم باشد، نه فقط در لفظ و قرائت. این یعنی عمل به دستوراتش در همه شئون» (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام: ۱۳۸۴/۶/۱۵). این نگاه، عمل به قرآن را فراتر از مناسک فردی، به حوزه‌های اجتماعی مانند عدالت‌خواهی و خدمت به مردم گسترش می‌دهد. در واقع شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، عمل به قرآن را پایه هدایت جامعه می‌دانند. (بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، ۱۳۷۹/۸/۹) تفسیر نمونه نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند و عمل به قرآن را شامل اجرای احکام و ترویج اخلاق می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۷).

از منظر ایشان، پیوند معرفت و عمل، با ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه، زمینه‌ساز تمدن اسلامی می‌شود. این پیوند، با ایجاد الگوهای عملی مانند انفاق و جهاد، جامعه را به‌سوی حیات طیبه هدایت می‌کند. برای مثال، تأکید قرآن بر زکات در آیه «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره: ۴۳) نمونه‌ای از این الگوهاست که طبرسی در مجمع‌البیان آن را پایه‌ای برای اصلاح اجتماعی می‌داند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۰). این مؤلفه، با تبدیل معرفت قرآنی به عمل، هندسه معرفتی را به ابزاری برای هدایت اجتماعی تبدیل می‌کند.

۲-۶. هدایت اجتماعی

هدایت اجتماعی، به معنای استخراج درس‌های سیاسی و اجتماعی از قرآن برای مدیریت جامعه و مبارزه با ظلم، دومین کاربرد عملی هندسه معرفتی است. شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره) در این باره می‌فرماید: «قرآن کتاب مبارزه با ظلم و استکبار است. آیات آن درس‌های سیاسی و اجتماعی به ما می‌دهد که چگونه در برابر دشمنان بایستیم و جامعه را بر اساس عدالت اداره کنیم» (بیانات در دیدار با فعالان قرآنی: ۱۴۰۰/۱/۲۵). این کلام، قرآن را منبعی برای استخراج الگوهای سیاسی و اجتماعی معرفی می‌کند و بر نقش آن در هدایت جامعه به‌سوی عدالت تأکید دارد. تحلیل این بیان نشان می‌دهد که هدایت اجتماعی، با تکیه بر آیات قرآن، راهکارهایی برای حل چالش‌های اجتماعی ارائه می‌دهد.

آیه ۱۷۳ سوره آل عمران، «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»، نمونه‌ای از درس‌های سیاسی قرآن است. تفسیر نور، این آیه را الگویی برای مقاومت در برابر دشمنان و توکل بر خدا می‌داند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۲۳). علامه طباطبایی در المیزان نیز این آیه را نشانه‌ای از نقش قرآن در تقویت روحیه جهادی و مدیریت اجتماعی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۸۹).

شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره)، با تأکید بر این آیه، می‌فرماید: «این آیه به ما می‌آموزد که در برابر تهدیدات دشمن، باید با ایمان و توکل ایستادگی کرد. این درس سیاسی قرآن برای امروز ماست» (بیانات در دیدار با دانشجویان: ۱۳۸۰/۳/۱۰). این دیدگاه، قرآن را منبعی برای استخراج استراتژی‌های سیاسی می‌داند که جامعه را در برابر ظلم و استکبار مقاوم می‌سازد. همچنین معظم له بیان می‌دارند که جامعه اسلامی با تدبیر در قرآن کریم، گام‌های بلندی را برای تمدن‌سازی اسلامی می‌تواند بردارد. (بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره)، ۱۳۸۰/۳/۱۰)

تفسیر نمونه نیز این آیه را الگویی برای مدیریت بحران‌های اجتماعی معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۵).

روایات اهل بیت (ع) نیز بر هدایت اجتماعی قرآن تأکید دارند. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «فِيهِ نِظَامُ الْأُمَّةِ وَ صَلَاحُ الْمِلَّةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸)، که نشان‌دهنده نقش قرآن در نظم و اصلاح جامعه است. تفسیر عیاشی نیز آیات جهاد و مقاومت را پایه‌ای برای هدایت اجتماعی می‌داند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۷).

از منظر شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، هدایت اجتماعی قرآن، با ترویج عدالت و مبارزه با ظلم، جامعه را به سوی تمدن اسلامی هدایت می‌کند. ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «قرآن به ما می‌آموزد که جامعه اسلامی باید بر اساس عدالت و وحدت اداره شود. این درس‌های سیاسی، راهگشای مشکلات امروز ماست» (بیانات در کنگره قرآن و وحدت: ۱۳۷۵/۸/۲۰). این نگاه، با تفسیر مجمع‌البیان، که آیات اجتماعی را کلید اصلاح جامعه می‌داند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۶)، همسوست. هدایت اجتماعی، با استخراج الگوهای سیاسی و اجتماعی، هندسه معرفتی قرآن را به ابزاری برای مدیریت جامعه تبدیل می‌کند.

۳-۶. نمونه‌های عملی

نمونه‌های عملی، مانند نهضت مواسات و انفاق، جلوه‌های عینی کاربرد هندسه معرفتی قرآن در هدایت اجتماعی هستند. شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) در این باره می‌فرماید: «نهضت مواسات که در جامعه ما شکل گرفت، جلوه‌ای از عمل به آیات انفاق قرآن است. این حرکت، نشان داد که قرآن می‌تواند زندگی اجتماعی را متحول کند» (بیانات در دیدار با فعالان قرآنی: ۱۴۰۰/۱/۲۵). این کلام، نهضت مواسات را نمونه‌ای از عمل به قرآن معرفی می‌کند که جامعه را به سوی همدلی و عدالت سوق داده است. تحلیل این بیان نشان می‌دهد که نمونه‌های عملی، با تبدیل معارف قرآنی به رفتار اجتماعی، هدایت را در عمل محقق می‌کنند.

آیات انفاق در سوره بقره، مانند «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره: ۲۶۱)، الگویی برای مواسات ارائه می‌دهند. تفسیر نور، این آیه را پایه‌ای برای ترویج فرهنگ انفاق و همدلی می‌داند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۵۶). علامه طباطبایی در المیزان نیز انفاق را عملی اجتماعی معرفی می‌کند که جامعه را از فقر و نابرابری نجات می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۲۳).

شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، با تأکید بر این آیات، می‌فرماید: «انفاق در راه خدا، فقط کمک مالی نیست، بلکه شامل وقت، دانش و هرچه در توان است می‌شود. این فرهنگ قرآنی، جامعه را به همدلی می‌رساند» (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام: ۱۳۸۴/۶/۱۵). این دیدگاه، انفاق را به عنوان الگویی جامع برای مواسات معرفی می‌کند. تفسیر نمونه نیز این آیه را کلید اصلاح اجتماعی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۹). روایات اهل بیت (ع) نیز بر اهمیت انفاق تأکید دارند و انفاق را پایه وحدت اجتماعی می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۲۰) امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِمِائَةَ ضِعْفٍ»

(کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۴۵). این حدیث، انفاق را عملی قرآنی با پاداش عظیم معرفی می‌کند. تفسیر مجمع‌البیان نیز انفاق را پایه‌ای برای وحدت اجتماعی می‌داند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۵).

از منظر شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره)، نهضت مواسات، با الهام از آیات انفاق، نمونه‌ای از عمل به قرآن است که جامعه را به سوی همدلی و عدالت هدایت می‌کند. ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «این حرکت‌های قرآنی، مانند مواسات، نشان‌دهنده زنده بودن قرآن در متن جامعه است» (بیانات در محفل انس با قرآن: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲). این نمونه‌ها، با تحقق عملی هندسه معرفتی، نقش قرآن را در تمدن‌سازی اسلامی برجسته می‌سازند.

در جمع‌بندی مباحث این بخش می‌توان گفت که «هندسه معرفتی قرآن» هنگامی کارآمد و اثرگذار خواهد بود که از سطح نظری فراتر رفته و در عرصه حیات اجتماعی انسان تحقق یابد. قرآن کریم صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌های معرفتی یا تعلیم اخلاقی نیست، بلکه کتابی است که هدف آن هدایت انسان و سامان‌بخشی به زندگی فردی و اجتماعی اوست. از این رو، هندسه معرفتی قرآن زمانی به‌درستی فهم می‌شود که پیوند میان معرفت قرآنی و عمل اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس آنچه در این بخش بررسی شد، یکی از مهم‌ترین کارکردهای هندسه معرفتی قرآن، ایجاد پیوندی عمیق میان فهم معارف الهی و تحقق آن‌ها در زندگی اجتماعی است. در این چارچوب، معرفت قرآنی صرفاً دانشی نظری تلقی نمی‌شود، بلکه مبنایی برای شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد. چنین نگاهی سبب می‌شود که آموزه‌های قرآن در حوزه‌هایی مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با ظلم، تعاون و همدلی اجتماعی به‌صورت عینی در جامعه تجلی یابد.

از سوی دیگر، استخراج درس‌های اجتماعی و سیاسی از قرآن، نشان می‌دهد که این کتاب آسمانی ظرفیت بالایی برای هدایت جوامع انسانی دارد. آیات قرآن با ارائه اصولی همچون عدالت، مقاومت در برابر ظلم، وحدت اجتماعی و حمایت از مستضعفان، چارچوبی برای مدیریت جامعه و حل مسائل اجتماعی ارائه می‌کنند. در این میان، تأکید شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره) بر توجه به ابعاد اجتماعی قرآن، نشان‌دهنده آن است که فهم صحیح از معارف قرآنی می‌تواند در جهت شکل‌دهی به جامعه‌ای عادلانه و مبتنی بر ارزش‌های الهی نقش‌آفرین باشد. همچنین نمونه‌های عملی همچون نهضت مواسات نشان می‌دهد که هنگامی که معارف قرآن در قالب الگوهای عملی در جامعه پیاده می‌شوند، می‌توانند آثار عمیقی در تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشند. این تجربه‌ها بیانگر آن است که قرآن تنها منبعی برای هدایت فردی نیست، بلکه می‌تواند الهام‌بخش حرکت‌های اجتماعی و تمدنی نیز باشد.

در مجموع، می‌توان گفت که هندسه معرفتی قرآن با فراهم آوردن چارچوبی منسجم برای فهم معارف الهی، زمینه استخراج الگوهای عملی برای هدایت جامعه را فراهم می‌سازد. توجه به این ظرفیت، می‌تواند نقش قرآن را در سامان‌دهی حیات اجتماعی و تحقق تمدن نوین اسلامی برجسته‌تر سازد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) درباره قرآن کریم، می‌توان نوعی نگاه نظام‌مند به ساختار معارف قرآنی مشاهده کرد که در این مقاله از آن با عنوان «هندسه معرفتی قرآن» یاد شده است. تحلیل محتوای این بیانات نشان داد که سه محور «جامعیت معرفتی»، «نظام‌مندی معارف» و «محوریت هدایت» بیش از سایر مضامین در سخنان ایشان درباره قرآن مورد تأکید قرار گرفته‌اند. بر همین اساس، این سه محور به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی برای توصیف ساختار کلی معارف قرآن در این پژوهش مطرح شده‌اند.

بررسی این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که در نگاه شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، قرآن کتابی است که معارف آن ابعاد مختلف حیات انسانی را در بر می‌گیرد و در عین حال میان آموزه‌های آن نوعی پیوستگی و انسجام مفهومی وجود دارد. همچنین هدایت انسان به‌عنوان غایت اصلی این معارف مورد توجه قرار گرفته است. این برداشت با تأکیدات موجود در آیات قرآن و نیز دیدگاه برخی مفسران شیعه، مانند علامه طباطبایی و طبرسی، درباره انسجام و جهت‌گیری هدایتی قرآن همخوانی دارد.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این برداشت از ساختار معارف قرآن با رویکرد «تفسیر تدبیرمحور» نیز ارتباط قابل توجهی دارد. در بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره)، تدبیر در قرآن به‌عنوان راهی برای فهم پیوند میان آیات و کشف پیام‌های هدایتی آن معرفی شده است. بر این اساس، می‌توان گفت تدبیر می‌تواند در فهم بهتر پیوستگی معارف قرآنی و توجه به اهداف هدایتی آن نقش داشته باشد، مشروط بر آنکه در چارچوب اصول معتبر تفسیری و با پرهیز از تفسیر به رأی انجام گیرد.

در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که توجه به ساختار منسجم معارف قرآن و تأکید بر تدبیر در آیات، می‌تواند به فهمی نظام‌مندتر از پیام‌های قرآنی کمک کند. با این حال، باید توجه داشت که نتایج این مطالعه بر اساس تحلیل بخشی از بیانات شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) درباره قرآن به دست آمده است؛ از این رو تعمیم این الگو به همه ابعاد مطالعات تفسیری نیازمند پژوهش‌های تکمیلی و بررسی گسترده‌تر منابع تفسیری و قرآنی خواهد بود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم با ترجمه مکارم شیرازی.
۲. - ریاحی مهر، باقر؛ حسینی پور، سیدمحمد، ۱۴۰۳، بررسی و نقد تفاسیر واعظانه قرآن، فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی، دوره ۴، ش ۲، صص ۹۹ - ۱۲۰.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۴۰۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۳ش، تفسیر موضوعی قرآن کریم، تهران: اسراء.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir>
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار العلم.
۹. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، قم: دار الهجره.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ق، مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. علیانسیب، سیدحسین؛ مهدوی، محمد و اشرفی‌سرای، سکینه، ۱۴۰۴، (طراحی الگوی قرآنی شناسایی و مواجهه با دین‌ابزاری (به روش تحلیل مضمون)، فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی، دوره ۵، ش ۴، صص ۲۳ - ۴۴.
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ش، تفسیر عیاشی، تهران: المطبعه العلمیه.
۱۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۸ق، الأصفی فی تفسیر القرآن (تفسیر صافی)، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۱۶. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۷. قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۸. قمی مشهیدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸ش، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ش، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۸ش، معارف قرآن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲ش، نظام حقوقی زن در اسلام، تهران: نشر صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶ش، مجموعه آثار (فقه و حقوق)، قم: صدرا.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۷ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.